

بازی با بیمه چند صد هزار کارگر ساختمانی

کارگران ساختمانی و حق بی قید و شرط برخورداری از اجتماع و اعتصاب

مصطفی اسدپور

در این مملکت هیچ چیز ساده تر از حذف بیمه صدها هزار کارگر ساختمانی نیست. مثل آب خوردن! مصوبه مجلس و قانون تازه از دولت و یا بخشنامه دیگری از وزارت کار میتواند حکایت تعویق و حذف بیمه بخش دیگری از کارگران ساختمانی را دامن بزند. مورد اخیر زیر سر سازمان تامین اجتماعی و نقشه های آن برای روشهای میدانی در شناسایی و کنترل بیمه کارگران ساختمانی خوابیده است. اگر میخواهید سر از اسرار عقده چرکین بیمه کارگران ساختمانی و این درد بی درمان طبقاتی در ایران دریابورید باید بیان فشرده صورت مساله از زبان طرفین کشمکش را از نظر بگذرانید:

اول: اظهارات علی قیاسی، نایب رئیس کانون انجمنهای صنفی کارگران ساختمانی کشور (سایت خبرگزار کار ایلنا، ۲۶ دی ماه ۱۴۰۳)

«در سال گذشته سازمان تامین اجتماعی مصوبه ای داشته که در روند قانون اصلاح بیمه کارگران ساختمانی اخلاص به وجود آورده است. در این مصوبه به این قانون استناد شده و بیان شده که سازمان تامین اجتماعی باید خود سامانه نظارت و بازرسی های اجرای بیمه کارگران ساختمانی را بطور کامل بدست گیرد.

پرسش ما این است که اگر سازمان تامین اجتماعی به این میزان نیرو دارد که بتواند همه بازرسی ها را انجام دهد، پس چرا کارگاه های صنعتی متوسط و کوچکی که نیروی کارشان درخواست بازرسی می کنند، رسیدگی کند؟ این درحالی است که به شکایت کارگران بخش صنعت هر سه ماه یکبار هم نمی توانند رسیدگی کنند و خودشان در بخش بازرسی از کمبود نیرو شکایت دارند.» ... صفحه ۲۵

کارگران جهان متحد شوید!

به کنگره پنجم «اتحادیه مبارزه کارگران فلسطین»

خالد حاج محمدی

رفیق محمد علوش عزیز، رفقای عزیز و گرامی «اتحادیه مبارزه کارگران فلسطین»

ضمن تشکر و قدردانی فراوان برای دعوت از حزب ما، «حزب حکمتیست (خط رسمی)» و شخص من برای کنگره پنجم، برای شما نمایندگان کنگره، کارگران و فعالین کارگری فلسطین و کنگره پنجم آرزوی موفقیت داریم و امیدواریم کنگره پنجم شما گامی مهم در جهت اتحاد هر چه بیشتر طبقه کارگر در فلسطین و تحکیم همبستگی و اتحاد کارگران در منطقه برای آزادی، برابری و پایان جنگ و توحش و بربریت دولت فاشیست اسرائیل، بردارد. ... صفحه ۴

این زن کشی باید متوقف شود!

هما سعادت - صفحه ۲

خاورمیانه جدید

«هجوم کرکس های حریص»

مظفر محمدی - صفحه ۵

حلقه محاصره تنگ تر و مخاطرات جدی تر می شود!

(در حاشیه انتقال اردوگاه های اپوزیسیون کرد)

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت نیروهای «آسایش» اتحادیه میهنی همراه با نیروهای امنیتی و... وارد سه اردوگاه کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) شاخه ابراهیم علیزاده و دو جریان «کومه له زحمتکشان»، شاخه رضا کعبی و شاخه عبدالله مهتدی، در منطقه «زرگوین» در حومه شهر سلیمانیه شده و نیروهایی آنها را به اردوگاه «سورداش» در نزدیکی شهر "دوکان" انتقال داده اند. این دومین دور از انتقال نیروهای این سه جریان به ... صفحه ۵

کارگران نروژ در دفاع از مردم فلسطین

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

دوم: پاسخ وزارت کار، سه ماه بعدتر؛

مصطفی سالاری، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی (گفتگو با خبرنگاری کار ایران، ایلنا، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴):

«کارگران ساختمانی متقاضی پوشش بیمه‌ای، بیشتر از ظرفیت پیش بینی شده این حوزه هستند... ممکن است برخی بیمه‌شدگان کارگران ساختمانی در این حوزه مشغول به کار نباشند که نشان می‌دهد، معیارهای کنونی دقیق و کافی نیست. مساله اصلی این است که چه افرادی واقعا کارگر ساختمانی هستند. ما غیرکارگرانی داریم که اکنون از برخی قسمت‌های قانون استفاده می‌کنند و در مقابل کارگران مستحق داریم که در صف قرار گرفتن تحت پوشش بیمه منتظر هستند... ما هیچ پیش‌فرض قطعی برای روش شناسایی و بیمه کردن کارگران ساختمانی نداریم...»

و در این همین گفتگو ناکید مدیر عامل بر روشهای مدنظر است که «پیشنهاد این است که کارگروه مربوط به کارگران ساختمانی بر منابع و مصارف، نظارت و شناسایی افراد مشمول را عهده‌دار باشد.»

دعوی میان وزارت کار و کارگران ساختمانی ابدًا تازگی ندارد. هر از چندگاه مقامات داخلی فرش را از زیر پای طرف کارگری بیرون میکشند، اعتبار صلاحیت چند صد هزار نفر کارگر را از لیست باطل میکنند تا عقب‌به‌ها چند سالی به عقب کشیده شود. بیمه کارگران ساختمانی در طول این سالها سرعت به نقطه ضعف رویایی بورژوازی علیه طبقه کارگر تبدیل شده است. وسوسه امتیازات آسان، حفره‌هایی که نشانی از پر شدن آنها پیدا نیست هر نوکر تازه از راه رسیده‌ای را به لگد پرانی به حق بدیهی کارگران ساختمانی میکشاند. تعرض مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی یک «ناخنک» نیست، بلکه تجدید سازمانی دامنه داری را شامل میشود که در همان اولین قدم انجمن‌های کارگری ساختمانی را قربانی میگیرد و تا آخرین خاکریزهای طبقه کارگر در مصاف با بورژوازی و جمهور اسلامی سرمایه، هیچ چیز جلودار آن نیست. یک مامور دون پایه دولتی با چه زبانی بهتر از این میتواند فرمان حمله به مراکز کارگری ساختمانی را صادر کند تا همزمان لیست مشمولین بیمه کوتاه‌تر شود و کوتاه‌هماند؟ در مقابل، آیا کسی نیست گنده‌گویی مدیر عامل را در منت بیمه‌های حقیر و فکس‌نی در مقابل مرگ و خطرات مرگبار محیطهای کار علیه کارگران افسار بزند؟ کسی نیست گوش عالی جناب را در نقض بیمه ۹۶ درصد کارگران قراردادی خارج از قانون کار کف دستش بگذارد؟ آیا همین سیاست و تعرض وحشیانه به حق صف وسیع از کارگران نمیتواند موتور محرک موج اعتراض گسترده کارگری در جامعه گردد؟

کارگران ساختمانی، انجمن، صنف و ابزار سازمان یابی

اینرا باید به حساب یک طنز تلخ بحساب آورد که کارگران ساختمانی در چهارچوب انجمن‌های صنفی جزو سازمان یافته‌ترین بخشهای کارگری در ایران و در منطقه از کوچکترین اختیار و امکان مبارزه برای احقاق حقوق خود و مشخصا بیمه برخوردار نیستند. بیمه‌ها هیچ وقت حاصل کارکرد انجمن‌ها نبود. واقعیت این است که انجمن‌ها زنجیری بر پای مبارزه جویی، نارضایتی و حق طلبی کارگران ساختمانی بوده است که چند صباحی بیشتر دندان بر جگر بگذارند.

تعداد هر چه ناچیز بیمه‌شدگان، بهانه‌های مسخره عرصه را بر وزارت کار تنگ کرده است و امروز این وزارت کار است که با دو قورت و نیم باقی دست پیش میگیرد و دست به تعرض میزند. پاسخ به تعرض وزارت کار در اصرار بر صلاحیت و جدیت هر چه

بیشتر انجمنهای صنفی در کنترل دلخواه وزارت کار در امور بیمه‌ها نیست. کارگران ساختمانی چاره‌ای جز تعرض متقابل، تعرض وسیعتر و در بسیج پایه‌های توده‌ای خود ندارند.

در اولین گامهای اعتراض توده‌ای کارگری حصار «انجمن» و «صنف» زیر دست و پای حق طلبی کارگری خرد و خاکشیر خواهد شد. چه کسی بهتر از کارگران ساختمانی که این گذر تاریخی در مصافهای طبقاتی در ایران را هموار سازند؟ کارگران ساختمانی، بخش بزرگ و موثر این کارگران، اکثریتی قابل توجه از طبقه کارگر دست اندرکار پروژه‌های عظیم صنعتی و عمرانی و اسکان در دل پیشرفته‌ترین تکنیک معاصر زیر بار استثمار و بی‌حقوقی در چهارچوب من درآوردی انجمن و صنف حاکی از یک موقعیت غیر قابل تداوم دارد که دیر یا زود به انفجار خواهد انجامید. لایه‌های پایینی هر چقدر هم که در پراکندگی استخدام پروژه‌های ساختمانی کوچک؛ هر چقدر هم در استخدام پروژه‌های شرکتی کم دوام دولتی و خصوصی نمیتواند جز با مبارزه وسیع و سراسری با شرایط مرگبار کار و زندگی خود کنار بیاید، بسوزد و بسازد.

در مورد انجمن‌ها و مسیر آتی مبارزات کارگران ساختمانی باید منتظر تصمیم و انتخاب خود کارگران ساختمانی ماند. بخصوص آنکه از جمله در شهرهای متعدد کردستان از کنار پوشش و چتر با ارزش آنها برای همبستگی و اتحاد میان کارگران نمیتوان بسادگی گذشت. هر چه هست، خصلت سیاسی هر چه قویتر در پیگیری حق تشکل، آزادی اجتماع و اعتصاب که دهن‌پاوه‌گو و کارشکنی هر جیره‌خور وزارت کار گل بگیرند، را در دستور هر چاره‌جویی و اقدام کارگری بیش از پیش ایجاب میکند.

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی،

نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و

نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی

در دسترسی به ابزاری‌های ارتقا و شکفتن

استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید

و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت

اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری

در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار

و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق

آمدن بر هر عقب‌ماندگی و کمبود، برابری که

تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی

بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی

مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در

مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم

در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

این زن‌کشی باید متوقف شود!

هما سعادت

زن‌کشی (Femicide) به قتل زنان به دلایل جنسیتی گفته می‌شود و در بسیاری از جوامع ریشه در ترکیبی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و ساختارهای قدرت دارد.

افزایش زن‌کشی در ایران به‌عنوان یکی از جدی‌ترین بحران‌های اجتماعی، ناشی از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، فرهنگی و قانونی است. بررسی گزارش‌های رسانه‌ای و نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که این پدیده در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است.

بر اساس گزارش‌ها، از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا اواسط بهمن‌ماه، دست‌کم ۱۳۳ زن توسط اعضای خانواده خود کشته شده‌اند؛ یعنی به‌طور میانگین هر دو روز یک زن قربانی زن‌کشی شده است.

در سه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، به ترتیب ۲۲، ۲۸ و ۳۵ مورد زن‌کشی ثبت شده است که نشان‌دهنده روند افزایشی این پدیده است. استان تهران با ثبت بیشترین موارد زن‌کشی در صدر قرار دارد و پس از آن شهرهایی مانند ارومیه، تالش، تبریز، مشهد و ایرانشهر بیشترین آمار را داشته‌اند.

سکوت یا بی‌عملی حکومت ایران در برابر زن‌کشی را نمی‌توان صرفاً یک ناتوانی ساده دانست؛ بلکه این سکوت ناشی از یک رویکرد سیاسی و ایدئولوژیک حاکمیتی است که بیشترین قربانیان آن را زنان تشکیل می‌دهند.

جمهوری اسلامی از ابتدای شکل‌گیری خود، با سرکوب خونین جنبش‌های زن، نقش زن را به‌عنوان یک انسان درجه دو، در چارچوب خانه و تابع مرد تعریف کرده است. بسیاری از قوانین (مانند حجاب اجباری، آپارتاید جنسی، حق طلاق، سرپرستی فرزند، و دیه کمتر برای زن) بازتاب ماهیت سیاسی و فکری این حاکمیت از روز اول است. در چنین ساختاری «آزادی زن» تهدید جدی علیه بنیادهای فکری و قانونی نظام اسلامی محسوب می‌شود و «زن مطیع» الگوی مطلوب حکومت است.

در دوره‌های اعتراض، به‌ویژه پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی»، زنان پیش‌تاز شدند. حکومت این خیم‌ش رادیکال و چپ را تهدیدی جدی تلقی کرد. در نتیجه با سرکوب شدید زنان فعال و سوسیالیست و سرکوب اعتراضات به آپارتاید جنسی، پیام داد که زن حق مطالبه «آزادی و برابری» ندارد.

سکوت و بی‌عملی رسمی پس از قتل‌ها در واقع استفاده ابزاری و همیشگی از خشونت نظام‌مند علیه زنان برای عقب راندن جنبش‌های آزادی زن است. این سکوت یعنی: زن‌کشی مهم نیست یا طبیعی است. رسانه‌های حکومتی معمولاً زن‌کشی را با عباراتی مانند اختلاف خانوادگی جرم لحظه‌ای یا قتل در اثر غیرت توجیه می‌کنند.

به جای پرداختن به ریشه ستم‌کننده زن‌کشی یعنی نظام سرمایه داری و سیستم زن‌ستیز و مردسالار، مقصر را فقط عصبانیت آنی معرفی می‌کنند. این روایت سازی، فضا را برای تکرار خشونت علیه زنان باز نگه می‌دارد.

سکوت آگاهانه دولت در برابر زن‌کشی، و بی‌توجهی یا سبک‌انگاری آن، نه فقط ناشی از ناکارآمدی است، بلکه نوعی انتقام‌جویی نظام‌مند از زنان و جنبش‌های آزادی‌خواهانه است و زن‌کشی را به ابزار کنترل روانی و ترساندن بقیه اقشار و طبقات جامعه تبدیل می‌کند.

جنبش «زن، زندگی، آزادی» نخستین بار پس از قتل مهسا امینی در سال ۱۴۰۱، ساختار اسلامی قدرت را با تهدیدی واقعی مواجه کرد؛ نه از طریق زور نظامی، بلکه با مقاومت اجتماعی و فرهنگی نهادین. هرچند حکومت همچنان بر سر قدرت باقی مانده، اما زنان با پایداری خود، پایه‌های مشروعیت اخلاقی و فرهنگی و قانونی آن را بیش از پیش سست کرده‌اند. زنان با به چالش کشیدن روایت‌های رسمی درباره زن ایده‌آل، حجاب، و نقش جنسیتی پایه‌های «گفتمان» مذهبی - ایدئولوژیک حکومت را لرزاندند.

افزایش گسترده بی‌حجابی و مبارزه با قانون آپارتاید جنسی، با وجود فشار و سرکوب، نشان می‌دهد که حکومت در کنترل کامل بر زندگی زنان، شکست خورده است.

بعلاوه اینکه، بازتاب مطالبات رادیکال و جهانشمول زنان پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سطح بین‌المللی و دفاع و حمایت پررنگ مردم متمدن جهان از این جنبش، وجهه‌ی حکومت اسلامی را در سطح جهانی به شدت تضعیف کرده است.

این جنبش فراتر از یک جنبش زنان، تبدیل به نماد آزادی‌خواهی عمومی چه در ایران و چه در سطح جهان شده است؛

جنبش زن شاید هنوز نتوانسته باشد به تنهایی ساختار قدرت سیاسی را کاملاً فرو بریزد، اما قدرت نمادین، مشروعیت قانونی و اعتبار اجتماعی حکومت اسلامی را به‌طور جدی فرسوده است. این خود یک پیروزی و دستاورد مهم در مسیر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است که راه طولانی آزادی قسطنطنیه از بالا را به مسیر کوتاه آزادی کامل زنان توسط یک انقلاب اجتماعی از پایین تغییر داده است.

پرچم‌رهای زن، پرچم آینده‌ای فارغ از تبعیض و نابرابری،

پرچم «ما به قدرت خود می‌توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی

زنان در ایران است. جنبشی که رهای و آزادی زن در ایران را به

سکویی برای رهای زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.

این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق

زن، بنام آزادی و برابری، پایه‌های یک حکومت ضدزن، ضدبشری و

استثمارگر را نه تنها به لرزه درآورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط

کشانده است.

رفقای گرامی!

برگزاری پنجمین کنگره شما در فلسطین اشغالی، در میان آتش و خون و در دل توحشی که دولت نژاد پرست، قومی - مذهبی اسرائیل راه انداخته است، و تلاش شما برای اتحاد وسیعتر طبقه کارگر در این جغرافیا، برای دفاع از خود، دفاع از حرمت و کرامت انسانی مردم فلسطین و علیه جنگ و جنایت و پاکسازی قومی دولت فاشیست اسرائیل و شرکا و حامیان غربی آنها، قابل تقدیر است.

کنگره شما در شرایطی برگزار میشود که حدود ۱۹ ماه است، از طرفی شاهد یکی از خونبارترین جنایات تاریخ بشر علیه مردم فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل به عنوان بازوی نظامی آمریکا و شرکای غربی آنها هستیم و از طرف دیگر شاهد وسیعترین اعتراضات در سراسر جهان، علیه دولت اسرائیل و متحدین او و در حمایت از مردم محروم فلسطین هستیم. پدیده نسل کشی دولت فاشیست اسرائیل و صف بندی های حول آن، در دوره ای که طبقه کارگر در سراسر جهان شاهد وسیعترین تعرضات دولتهای بورژوازی به زندگی خود است، به صف بندی های جدی سیاسی، طبقاتی و جنبشی شکل داده است. در این دوره اعتراضات طبقه کارگر در سراسر جهان علیه فقر و گرسنگی، علیه استثمار و بی حقوقی نظام های حاکم به اعتراض این طبقه و مردم متهمین علیه کشتار مردم فلسطین گره خورده است و رنگ خود را به سیاهی جهان ما زده است.

در این شرایط و پس از وقفه ای کوتاه در کشتار مردم فلسطین، هیئت حاکمه اسرائیل بار دیگر تصمیم همیشگی خود را برای تسخیر کامل نوار غزه و ادامه جنایت در بخش باختری و الحاق همه سرزمین های مردم فلسطین به اسرائیل را رسماً اعلام کرده است و برای آن دست به کار شده است. دول غربی و نهادهای بین المللی جز ابراز نگرانی و لفاظی های بی محتوا در محکوم کردن این جنایت قدمی علیه آن برنداشته اند. این حقیقت بار دیگر به ما میگوید که متوقف کردن ماشین کشتار اسرائیل، کار مردم متهمین و طبقه کارگر در سراسر جهان است. جهان امروز بیش از هر زمانی در خشم و نفرت از دولتهای کاپیتالیستی، خشم و نفرت از فقر و بی حقوقی، از ملیتاریسم و جنگ و ناامنی می جوشد. خشم از دولت فاشیست اسرائیل از جنگ طلبی آن و نفرت از حامیان اسرائیل و همزمان نفرت از ریاکاری و دل سوزاندن های دروغین دولت های مرتجع منطقه برای مردم فلسطین و بند و بست و معاملات تاریخی آنها با اسرائیل و متحدین غربی او همه جا فریاد زده میشود. اگر طبقه کارگر آگاه بتواند به ستون فقرات این جنبش تبدیل شود، بی تردید هیچ قدرتی توان نگه داشتن اسرائیل و ماشین کشتار و جنایتش را نخواهد داشت.

رفقای عزیز!

در دل این اوضاع جنبش دفاع از مردم فلسطین همه مرزهای ملی و جغرافیایی را به حق در نور دیده است. ما و شما در خاورمیانه و شمال افریقا همراه بسیاری از نهادها و تشکلهای کارگری و جریانات حامی مردم فلسطین، به اتحادی کارگری در دفاع از مردم فلسطین شکل داده ایم و «جبهه متحد کارگری برای دفاع از مردم فلسطین» را بنیان نهادیم. ما مرزها و دیوارهایی که دولت های حاکم، میان طبقه کارگر کشیده بودند و همسرنوشتی ما را برای تضمین بردگی ما و اربابی خودشان هدف گرفته بودند، پایین کشیدیم. ما در دل جنایت خونین اسرائیل علیه مردم فلسطین و در دفاع از مردم محروم فلسطین برای اولین بار در خاورمیانه و شمال افریقا به اتحادی شکل دادیم و بر همسرنوشتی طبقه کارگر تاکید کردیم. ما اعلام کردیم که طبقه کارگر در منطقه و جهان، همسرنوشت، هم منفعت و یک طبقه واحد جهانی است. اعلام کردیم مستقل از هویت های کاذبی که برایمان می تراشند تا نفاق را در میان ما به نام کشور و ملیت، به نام مذهب و نژاد و... نهادینه و پایدار کنند، همگی به یک خانواده بزرگ کارگری تعلق داریم. ما اعلام کردیم که حل معضل فلسطین و پایان توحش اسرائیل کار ما و کار هم طبقه ای های ما در جهان

است، امری که حمایت میلیون ها انسان در سراسر جهان را دارد. تقویت اتحاد کارگری در منطقه و اعلام حضور قدرتمند این طبقه، تحکیم روابط ما با هم طبقه ای های خود در سراسر جهان و خصوصاً کشورهای غربی، فشار مشترک ما به دولتهای حامی اسرائیل، مسیری است در مقابل ما. ما در این مسیر نه تنها علیه اسرائیل و کوره های آدم سوزی او در فلسطین، که علیه فقر و محرومیت، علیه گرسنگی و استثمار و بی حقوقی و برای دنیایی برابر و آزاد و انسانی می کوشیم.

بی شک تحکیم روابط و اتحاد کارگری در منطقه و تلاش مشترک ما برای تامین همبستگی فرا منطقه ای، کار ساده ای نیست. خصوصاً چنین اتحادی خاری در چشم همه دولت های ضد کارگری، رسانه ها و جنبش و احزاب بورژوازی منطقه است. آنها به راحتی همچنان که در ابتدای اعتراضات انسانی در دفاع از مردم فلسطین را سانسور کرده و عملاً و رسماً به بهانه «جنگ با حماس» آگاهانه بر نسل کشی مردم فلسطین چشم پوشیدند، ما و تلاش ما در منطقه را هم سانسور می کنند تا کسی صدایمان را نشنود. اینها را همگی ما میدانیم اما کار واقعی و روی زمین ما، گسترش اتحاد کارگری در منطقه، دست دوستی و اتحاد و همبستگی دراز کردن به هم طبقه ای هایمان در کشورهای دیگر، دفاع از آزادی و برابری و عدالت، دفاع از حقوق برابر زن و مرد در منطقه ای که زن انسان حساب نمی شود، و دفاع همه جانبه از مردم فلسطین، دیوار سانسور دشمنان ما را فرو خواهد ریخت و قلب کارگران و خانواده های کارگری، قلب بشریت برابری طلب و انسان دوست را تسخیر میکند.

رفقای عزیز!

امیدواریم کنگره پنجم شما در این شرایط حساس بتواند با انسجام و اتحادی همه جانبه به اهدافش برسد و با آمادگی بیشتری وارد دوره ای پر شور از مبارزه برای عدالت و برابری، برای مقابله با نسل کشی دولت فاشیست اسرائیل و برای آزادی مردم فلسطین و برای گسترش اتحاد همه جانبه طبقه کارگر در منطقه شویم. حزب ما در این میدان در کنار شما است. دست شما را رفیقانه میفشارم و برای کنگره آرزوی موفقیت میکنم.

با احترام فراوان

خالد حاج محمدی

۹ مه ۲۰۲۵

بی شک تحکیم روابط و اتحاد کارگری در منطقه و تلاش مشترک ما برای تامین همبستگی فرا منطقه ای، کار ساده ای نیست. خصوصاً چنین اتحادی خاری در چشم همه دولت های ضد کارگری، رسانه ها و جنبش و احزاب بورژوازی منطقه است.

آنها به راحتی همچنان که در ابتدای اعتراضات انسانی در دفاع از مردم فلسطین را سانسور کرده و عملاً و رسماً به بهانه «جنگ با حماس» آگاهانه بر نسل کشی مردم فلسطین چشم پوشیدند، ما و تلاش ما در منطقه را هم سانسور می کنند تا کسی صدایمان را نشنود. اینها را همگی ما میدانیم اما کار واقعی و روی زمین ما، گسترش اتحاد کارگری در منطقه، دست دوستی و اتحاد و همبستگی دراز کردن به هم طبقه ای هایمان در کشورهای دیگر، دفاع از آزادی و برابری و عدالت، دفاع از حقوق برابر زن و مرد در منطقه ای که زن انسان حساب نمی شود، و دفاع همه جانبه از مردم فلسطین، دیوار سانسور دشمنان ما را فرو خواهد ریخت و قلب کارگران و خانواده های کارگری، قلب بشریت برابری طلب و انسان دوست را تسخیر میکند.

خاورمیانه جدید

«هجوم کرکس های حریص»

مظفر محمدی

سفر ترامپ و میلیاردرهای امریکایی به خاورمیانه شبیه پرواز کرکس ها بر فراز گله ی چرب و نرم خاورمیانه است. مبلغین بورژوازی این سناریوی تهوع آور را خاورمیانه جدید مینامند. خاورمیانه ای که قرار است به صلح و فرصت برای مردم این منطقه تبدیل شود. اما کدام صلح و کدام فرصت؟ صلح و فرصت برای که؟

سفر ترامپ و همقطاراننش اما نه تاریخی، نه فرصت و صلح برای مردم است. سران بورژوازی بین المللی در نیم قرن اخیر مپ هایشان را بر سر مردم عراق، لیبی، سوریه، افغانستان... ریختند. از تن زخمی خاورمیانه هنوز خون می چکد. امضای قرارداد سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری عربستان در امریکا و خرید ۱۵۰ میلیاردی تسلیحات نظامی عربستان از امریکا و جت ۴۰۰ میلیارد دلاری رشوه ی قطر به ترامپ در شرایطی است که همزمان و به مدت یک سال و نیم است که زنان و مردان و کودکان غزه شبانه روز در خون می غلطند. رقص معامله ی تبهکاران سرمایه بر گورهای بی نام و نشان عراق، لیبی، سوریه، غزه... این است خاورمیانه جدید؟ حکام سرمایه از امریکا و اروپا و ناتو و همپیمانانشان در خاورمیانه از اسرائیل تا عربستان و ترکیه تا توانستند کشتند و ویران کردند و اکنون میوه اش را میچینند. خاورمیانه ی داغ لعنت خورده مرکز معاملات ترلیون ها دلار امریکایی است. این است خاورمیانه ی جدید!

سفر ترامپ به کشورهای خلیج و دولت نامیدن حکام این کشورها، یک شوخی و نمایش مضحک است. این کشورها طیول کدخدایان سابق و خاندان شیوخ تا مغز استخوان فاسد است. در لابلای خشت های کاخ ها و برج هایی که در عربستان و دویی و قطر ترامپ را بوجد آورده است، استخوان کارگران این کشورها و فلسطینی های فراری از نسل کشی صهیونیست ها، خفته است. قطر قرار است زمین گلف مورد علاقه ترامپ و سرگرمی میلیونرها با هزینه

۵ میلیارد دلار بسازد... در این معامله ی کثیف ترلیون دلاری نه کارگران امریکا و نه مردم خاورمیانه هیچ منفعتی ندانند. حالا شما بگویید خاورمیانه جدید کدام است؟ کشتار و ویرانی و نسل کشی یا رقص دلار امریکایی در کشورهای خلیج فارس؟ خاورمیانه دیروز کارگران و زحمتکشان گوشت دم توپ حکام تبهکار سرمایه و سود بودند. خاورمیانه امروز را که میخواهد بسازد؟ بیابان های عربستان را چه کسی به مزارع و مراتع تبدیل می کند بجز کارگران؟ برج های سربلک کشیده، تاسیسات زمین گلف بورژواهای حریص و فاسد و... بدون کارگران این کشور و کارگران مهاجر بیحقوق کشورهای منطقه، برپا نمی شوند.

در سیاست و فرهنگ و حکمرانی تبهکاران سرمایه چه در زمان جنگ و چه صلح نامی از طبقه کارگر درمیان نیست. این در حالی است همه ی آنچه که بورژواها بخود میبالند محصول رنج و خون طبقه کارگر است. بدون طبقه کارگر دلارهای امریکایی کاغذپاره ای بیش نیستند.

بورژوازی لجام گسیخته ی بین المللی چه زمانی که شمشیر در هوا می چرخاند و چه زمانی با شاخه زیتون در دست، لبخند تمسخرآمیز صلح بر لب دارد و هر سناریویی که خود می چنند را مرحله جدید یا جهان جدید می نامد. فروغ درست می گوید:

این جهان پر از صدای حرکت پاهایی است

که همچنان که تو را می بوسند

در ذهن خود طناب دار تو را می بافند.

تا زمانی که طبقه کارگر بین المللی بپا خواهد خاست و تا زمانی که بشریت انساندوست و آزادخواه برخیزد، این سناریوهای مشمئز کننده ی ضد بشری ادامه خواهد داشت. بورژوازی نمی تواند چه با مپ های چند هزار تنی و چه بسته های قطور دلار برای همیشه دنیا را در چنگال خونین خود نگه دارد.

جهان جدید و خاورمیانه جدید تنها زمانی میسر و ممکن می شود که پیام مارکس:

«این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت»، متحقق شود.

جهان جدید باید بدست صاحبانش و سازندگانش سپرده شود. پاسخ سناریوهایی جنگی و نمایشات صلح و دلارهای کثیف بورژوازی جهان این است: کارگران جهان متحد شوید!

حلقه محاصره تنگ تر و مخاطرات جدی تر ...

کمپ سورداش است. بار اول در ۱۶ شهریور ۱۴۰۳ بخشی از نیروها و خانواده های این سه جریان علیرغم مخالفت و مذاکرات آنها با رهبری اتحادیه میهنی به سورداش انتقال یافتند و در امتداد آن روز یکشنبه دولت اقلیم کردستان دست به کار انتقال بقیه نیروی این نیروها شده اند.

پروژه خلع سلاح و محدود کردن نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان عراق، پروژه جمهوری اسلامی است که چندین سال است در جریان است. این پروژه سرانجام با توافق دولت عراق و احزاب حاکم بر اقلیم کردستان تصویب و بیش از یک سال است اجرای آن بطور عملی در دستور قرار گرفته است.

تلاش و سیاست جمهوری اسلامی در محدود کردن فعالیت اپوزیسیون در این منطقه، تلاش و سیاستی جدیدی نیست. نیروهای اپوزیسیون در این منطقه، بدلائل مختلف از جمله روابط نزدیک جمهوری اسلامی با دولت مرکزی عراق و روابط نزدیک ایران با اتحادیه میهنی کردستان، چند دهه است زیر فشار همه جانبه ای قرار دارند. کردستان عراق و خصوصا مناطق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی، چند دهه است به جولانگاه نیروهای جمهوری اسلامی و سپاه قدس، وزارت اطلاعات و ... تبدیل شده است. تهدید و ترور فعالین اپوزیسیون در شهرهای کردستان عراق، بمباران چند باره اردوگاههای این جریانات و سرانجام تلاش برای خلع سلاح و تبدیل این نیروها به آوارگان تحت نظر سازمان ملل و حتی ممانعت از فعالیت سیاسی آنها در کردستان عراق، امری است در دستور و در دست اجرا.

ما تا کنون بارها اعلام کرده ایم که مستقل از میزان دوری و نزدیکی سیاسی نیروهای سیاسی اپوزیسیون به حزب حکمتیست (خط رسمی)،

هر تعرضی به اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق، تلاش برای خلع سلاح و تبدیل آنها به پناهندگان تحت نظر سازمان ملل، را تعرضی به کل اپوزیسیون میدانیم و آنرا محکوم میکنیم. سیاستی که امروز علیه این نیروها در جریان است، نه امری جدید و نه اتفاقی غیر قابل پیش بینی بود. سال ۲۰۱۲ جمهوری اسلامی همین سیاست را در قبال سازمان مجاهدین و نیروهای نظامی آن در پیش گرفت که همگی شاهد آن بودیم. انتقال این نیروها به بیابانی به نام سورداش، آخر کار نیست و مخاطرات جدی امنیتی در مقابل سرنوشت این انسانها در راه است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) دولت عراق و حاکمین بر اقلیم کردستان و بویژه اتحادیه میهنی را مسئول مستقیم تامین امنیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی مستقر در اردوگاه "سورداش"، در مقابل تعرض و حملات احتمالی جمهوری اسلامی به اردوگاه این نیروها و امنیت فردی فعالین این جریانات در عراق میدانند. ما همزمان رهبری این نیروها را متوجه وظیفه خطیرشان در قبال امنیت و سلامت اعضا، کادرها و دوستداران خود و خانواده های آنان میکنیم. امید بستن به احزاب حاکم بر کردستان عراق و توهم به ماهیت این جریانات، که پرونده سیاهی مملو از توطئه و معامله گری با دولتهای مرتجع منطقه از جمهوری اسلامی تا ترکیه و... دارند، امروز بیش از همیشه میتواند هزینه های سنگینی را برای این جریانات و نیروهایشان به همراه آورد. مقابله با سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی و تعرض آشکار آن به اپوزیسیون بدون مقابله با دوستان و همکاران منطقه ای آن ممکن نیست.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۱۲ مه ۲۰۲۵

کارگران نروژ در دفاع از مردم فلسطین

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

کنفدراسیون سراسری اتحادیه های نروژ، "ال او"، متشکل از ۲۱ اتحادیه کارگری و با یک میلیون عضو، در کنگره اخیر خود، که در روزهای ۸ و ۹ ماه مه برگزار شد، طی قطعنامه ای خواهان پایان دادن به جنایت جنگی دولت اسرائیل در نوار غزه، پایان یافتن اشغال فلسطین، بازگشت مردم فلسطین به این سرزمین و محاکمه جانیان این نسل کشی و پرداخت غرامت دولت اسرائیل به مردم نوار غزه و کرانه باختری شد. این قطعنامه با رای ۸۸ درصد نمایندگان به تصویب رسید.

به دنبال آن "ال او" به همراه نزدیک به ۵۰ نهاد مدنی طی نامه ای به وزیر مالی این کشور، خواهان خاتمه هر گونه سرمایه گذاری در اسرائیل و شرکت های مربوطه شد. بنگاه مالی سرمایه گذاری نروژ با سرمایه ای نزدیک به دو تریلیون دلار از بزرگ ترین بنگاه های مالی بحساب می آید.

این اقدام کنفدراسیون به حق با استقبال وسیعی از طرف مردمی که علیه نسل کشی دولت اسرائیل، بخصوص طی نزدیک به دو سال اخیر، اعتراض کرده اند مواجه شد. در طول این مدت که بشریت متمردن خواهان پایان دادن به این جنایت آشکار و نسل کشی مردم بیگناه فلسطین و محاکمه جانیان دولت فاشیست اسرائیل بوده اند، از دولت ها و نهادهای بین المللی شان مانند سازمان ملل و دادگاه علیه جنایت های جنگی و بشری تا سازمان های کمک رسانی و امدادی و غیره، همگی نشان داده اند که نه خواهان و نه در عمل حاضر به مهار دولت اسرائیل هستند. دول و نهادهایی که طی دو سال کشتار بیرحمانه مردم بیگناه در نوار غزه و نابودی مطلق این منطقه، بجز انتقاد از «زیاده روی های» دولت فاشیست اسرائیل و «اظهار نگرانی های» بیمانه، کوچکترین تغییری در سیاست های مداخلات گرانه و حمایت بیقید و شرط خود از دولت اسرائیل نداده اند.

دولت کارگر حاکم در نروژ که به همراه با ایرلند و اسپانیا دولت فلسطین را به رسمیت شناخته است، همانطور که انتظار می رفت این اقدام کنفدراسیون را تصمیمی عجولانه و قدمی در جهت مخالف سیاست های خود اعلام کرده است. به عبارت دیگر، دولت نروژ

علیرغم هیاهوی تبلیغاتی "حمایت از مردم فلسطین" و "پیشتازی" در این حمایت و "قاطعیت" علیه دولت اسرائیل و دفاع از «به اجر گذاشتن قوانین بین المللی» در کنار دیگر دولت ها سیاست های تا به امروز خود، در مداخلات با این جنایت، را ادامه میدهد.

قطعنامه مصوب کنگره کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ در شرایطی که از یکطرف اخیرا سیاست های انتقادی دول غربی علیه اسرائیل و جنایات آن شدت یافته است. بخصوص پس از بی نتیجه ماندن اقدامات دولت های اروپایی برای جنایی کردن اعتراض و تجمع علیه

نسل کشی دولت اسرائیل، زیر فشار جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین، بوده ایم و از طرف دیگر، دولت ترامپ نه تنها دست به دستگیری و زندانی کردن هر معترضی به این جنایت بوده ایم، که حتی دانشگاه ها و مراکز تحصیلی را رسماً به «جرم» اجازه اظهار نظر دانشجویان تحت فشار و کاهش بودجه قرار داده است، نشان داد که نیروی حی و حاضر تشکل های کارگری، وقعی بر آبروی بر باد رفته ادعاهای «آزادی بیان» و دموکراسی غربی نمی گذارد.

در عین حال، نشان داد که ادعاهایی پوچی مانند «مردم دنیا از شنیدن مصائب غزه خسته شده اند» و یا اینکه «غزه مسئله درجه چندم در میان اخبار مهم تر» است و «جایگاه آن برای مردم دنیا کاهش یافته» است، نه بیان واقعیت عظیم انساندوستی مردم که تنها توجیه ادامه سانسور اخبار جنایات دولت اسرائیل و اعتراضات جهانی علیه آن توسط میدیا رسمی است. میدیایی که مدتهاست مشروعیت خود را برای نشر حقایق از دست داده است.

این اقدام کنفدراسیون کارگری، علیرغم تلاش دولت ها و نهادها و سانسور میدیای رسمی، نشانگر عمق انزجار مردم دنیا نه تنها از دولت اسرائیل بلکه از کل سیاستمداران و دولت ها و همدستی آنها در این نسل کشی است.

این قطعنامه و در ادامه آن نامه مشترک کنفدراسیون اتحادیه ها و ۵۰ نهاد مدنی خود به عامل فشاری نه تنها بر سایر دول غربی، بلکه بر رهبری اتحادیه هایی که، علیرغم اعتراض وسیع مردم علیه دول حاکم، از حضور رسمی خود در این اعتراضات و سازمان دادن یک اعتراض کارگری در جامعه سرباز زده اند.

این مصوبه همزمان نشان داد که بر خلاف تصویر رایج مبنی بر «به راست چرخیدن جوامع اروپایی» و غرب، حاکی از گسترش فضای اعتراضی و قطب بندی های جدیدی در جوامع غربی است که توسط نیروی رادیکال و طبقاتی در این کشورها را از خود نشان می دهد. مهم تر از همه، تصویب این قطعنامه با رای اکثریت قابل ملاحظه شرکت کنندگان، بیانگر عزم طبقه کارگر برای خاتمه دادن به این نسل کشی بعنوان تنها نیرویی است که قادر به مهار کردن فاشیسم دولت اسرائیل و حامیان است.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار مردم انساندوست جهان، در کنار طبقه کارگر جهانی برای خاتمه دادن به این نسل کشی و آزادی مردم فلسطین ایستاده است و به طبقه کارگر نروژ درود می فرستد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۲ مه ۲۰۲۵



نينا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نينا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام

<https://t.me/RadioNeenna>

فیسبوک

[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

hekmatist.com

تماس با حزب

📧 @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: آذر مدرسی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



صدای آزادی، صدای برابری

نينا

